

با درود و سپاس بر تمامی کائنات عالم هستی و آقای شهبازی نازنین.
برنامه ۸۵۳ و ابیات انتخابی

یکی از موانع تبدیل شدن هوشیاری جسمی به هوشیاری حضور قرین و همنشین است، که ما از همدیگر انرژی دریافت می‌کنیم و از هم تأثیر می‌پذیریم.

به نام خداوند عشق

حق ذات پاک الله الصمد
که بود به مار بد از یار بد
مار بد جانی ستاند از سلیم
یار بد آرد، سوی نار مقیم
از قرین بی قول و گفت و گوی او
خو بدزد دل نهان از خوی او
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، ابیات ۲۶۳۴ الی ۲۶۳۶

از اهمیت قرین و همنشین می‌توان گفت که:

مولانای عزیز به ذات پاک خداوند بی‌نیاز سوگند یاد می‌کند که یار بد به مراتب از مار بد بدتر است، چرا که با مرکز پر از درد خود همانیده است و خود را نیازمند دردها می‌داند و ما را با ارتعاشات خود تحت تأثیر فضای غم و اندوه و درد قرار می‌دهد، و همواره از دردهایش سخن می‌گوید و ما را تحریک می‌کند تا مرکزمان را به درد مرتعش سازد.

حال انسان با یک نیش مار می‌میرد ولی یار بد من ذهنی درست مانند آتشیست که روشن است و خاموش نمی‌شود و ما را می‌سوزاند. و در این مورد وظیفه و مسئولیت ما این است که تا جایی که مقدور است با فضاگشایی یا یار بد نباشیم و یا از یار بد فاصله بگیریم. و اگر چاره و گریزی از بعضی از افراد من ذهنی بزرگ نداریم که ممکن است شامل اعضای خانواده‌مان باشد در برابرشان تمرین فضاگشایی کنیم و صبر را پیشه‌را همان قرار دهیم و باید بدانیم که هر کسی که قرین و همنشین ماست حتی بدون سخن و گفت و گو کردن روی خلق و خوی‌مان اثرگذار خواهد بود.

هر که خواهد همنشینی خدا
تا نشیند در حضور اولیا
از حضور اولیا گر بسکلی **بگسلی خوانده می‌شود**
تو هلاکی ز آنکه جزو بی‌کلی
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، ابیات ۲۱۶۳ و ۲۱۶۴

پس بنابراین: هر کسی که می‌خواهد با خداوند قرین و همنشین گردد و خداوند او را از جنس خودش بکند باید در حضور اولیا و افرادی که فضای درون خود را باز کرده‌اند بنشیند. چرا که اگر از حضور اولیا جدا بشویم هلاک می‌گردیم برای اینکه یک جزء بدون کل هستیم. و یکی از بهترین اولیا مولانای عزیز می‌باشد که فضای درونش کاملاً باز است و کل. و به ما که جزئی از کل هستیم حضور را القا می‌کند و فضای درونمان را باز و با این فضای گشوده شده ما را به خداوند متصل می‌نماید.

هر که را دیو از کریمان وا برد
بی کسب یابد سرش را او خورد
یک بدست از جمع رفتن یک زمان
مکر شیطان باشد این، نیکو بدان
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، ابیات ۲۱۶۵ و ۲۱۶۶
-یک بدست یعنی: یک وجب

حال نتیجه می‌گیریم که:

به اندازه یک وجب هم که شده از بزرگان و کریمانی مانند مولانای عزیز و برنامه گنج حضور جدا نشویم. چرا که هر لحظه امکان دارد که من ذهنی عوامل بیرونی خود را در مرکزمان قرار بدهد تا فکرمان را به خودش مشغول سازد و عملکرد داشتن مان را ضعیف کند و در این صورت است که دیو ما را بی کس می‌یابد و عقل و خرد ما را می‌خورد و ما را از هدف‌مان دور می‌سازد که این خود مکر و حيله شیطان است. و ما سعی می‌کنیم که لحظه‌ای از مولانای جان و برنامه گنج حضور و گروه معنوی‌مان جدا نگردیم. و در پایان: وقتی که خرد بی‌منتهای کائنات سرگرم کار است، زندگی شخصی کوچک من زهرا را هم اداره می‌کند.

ای زغم مُرده که دست از نان تهی است
چون غفور است و رحیم این ترس چیست؟
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۰۸۷

پر انرژی و سالم بمانید.
خیلی ممنون، خدانگهدار شما
-زهرا سلامتی، از زاهدان

